

مصاحبه با مایکل روبرتز در باره‌ی اقتصاد جهان پس‌پاندمی

اقتصاد جهانی در حال فروپاشی

برگردان: ناصر پیشرو

کفتگوی کوتاه سوسیالیست ریویو با اقتصاددان مارکسیست مایکل روبرتز در باره بدهی‌های فزاینده، رکود طولانی و چشم‌اندازهای آتی سرمایه‌داری بعد از پاندمی کرونا ۱.

دولت‌ها و شرکت‌ها انبوهی از قرضه‌ها دریافت کرده‌اند، چرا چنین است؟

پیش از پاندمی در عرصه جهانی نیز بدهی‌ها در بالاترین میزان پس از جنگ بود. این فقط بدهی‌های بخش عمومی نیست که برای نجات بانک‌ها و سایر بخش‌ها در جریان رکود بزرگ سال‌های 2009/08 ایجاد شده بلکه شامل افزایش عظیم وام‌هایی است که شرکت‌ها در اقتصادهای پیش‌رفته با کمترین بهره دریافت کردند. امری که به واسطه بانک‌های مرکزی امکان پذیر شده بود.

به ذخیره سهام آنها سود بیشتری پرداخت شد تا بتوانند سهام را باز خرید کرده و به تحرک بازار سهام کمک کنند. در کشورهای در حال توسعه نیز بدهی شرکت‌ها افزایش یافت و وام‌هایی با کمترین بهره و به دلار پرداخته شد آنها در مستقلات و بخش‌های غیر مولد سرمایه‌گذاری کرده و یا بیشتر به سفته بازی ادامه دادند.

همراه با پاندمی بدهی‌ها در بخش‌های عمومی و زیرساخت‌ها و نیز شرکت‌ها به سرعت افزایش یافت. بانک‌های مرکزی اعتبارهایی برای شرکت‌ها در نظر گرفتند که دوره کنترل و محدودیت‌ها را پشت سر بگذارند. در صورتی که که بخشی از این قرضه‌ها یا اعتبارها به عنوان کمک‌های بلاعوض در نظر گرفته شده و اجباری برای بازپرداخت آنها نیست. در اغلب این وام‌ها امکان تغییر تاریخ بازپرداخت آنها نیز در نظر گرفته شده و پیش‌بینی می‌شود که شرکت‌ها به حداقل فروش و بازپرداخت سود دست یابند.

احتمال زیادی است که هزاران شرکت، پرداخت قرضه‌ها را به عقب بیاندازند و از این طریق بانک‌هایی را در معرض خطر قرار دهند. در کشورهای در حال توسعه با توجه به میزان هنگفت انتقال سرمایه و از آنجایی که بازپرداخت بدهی‌ها اغلب به دلار است، در صورت سقوط ارزش پول ملی، اوضاع بدتر می‌شود. خیلی از کشورهای در حال توسعه در بازار جهانی به مواد خام همانند: نفت، مواد سوختی و مواد غذایی وابسته اند که قیمت آنها کاهش یافته است.

اگر اقتصادهای سرمایه‌داری نتوانند سودآوری را سرپا نگاه دارند مستعد فروپاشی خواهند بود که همراه با آن بخش مالی نیز فرو می‌پاشد. از یک بحران بدهی تنها در شرایطی می‌توان جلوگیری کرد که اقتصادها به سرعت به تحرک برسند. چنان‌که دولت‌ها و بانک‌های مرکزی تحت عنوان اقدامات نجات قرضه‌های بیشتری به شرکت‌ها و بانک‌ها پمپاژ کنند و شرایط بازگشت سریع رشد و سود موجود نباشد، امکان بروز یک بحران مالی جدید نیز زیاد می‌شود.

خیلی‌ها از پایان سطره آیالات متحده بر امورجهانی و بازارهای بین‌المللی صحبت می‌کنند آیا شما با آن موافقید؟

ایالات متحده قدرت هژمونیک جهانی و رهبر قدرت‌های امپریالیستی خواهد ماند. اگرچه در زمینه تولید تکنولوژی و تجارت، زمین بازی را از دست داده اما توانسته سلطه خود را بر بخش‌های نظامی و مالی حفظ کند که اینها خود فاکتورهای نیرومندی هستند. احتمالاً اگر در تولید و تجارت بیشتر قدرت خود را از دست دهد در بازارهای جهانی تجارت و سرمایه، معاملات با دلار در راس امور خواهد ماند.

پرسش اصلی این است که در نیمه اول قرن حاضر قدرت روبه زوال آمریکا رقیبی خواهد داشت که آن را پشت سر بگذارد؟ تنها کاندید فعلاً چین است که بزرگترین تولیدکننده جهان است و تکنولوژی و سرمایه‌گذاری‌های آن در جهان نیز افزایش یافته است اما این کشور هنوز در شرایطی نیست که هژمونی آمریکا را تهدید کند. به همین خاطر است که رهبران آمریکا تلاش می‌کنند که مانع گسترش چین شوند. این مهم‌ترین نتیجه برای جدال‌های بزرگ (سرد یا گرم) در ده‌های آینده است.

چگونه می‌توان بحران تهدیدکننده کنونی را با بحران‌های پیشین مقایسه کرد؟

از منظر اقتصادی کووید ۱۹ حتی بزرگترین بحران‌ها را هم پشت سر گذاشته است. پیش‌بینی می‌شود که تولید ناخالص در دوسال آینده ده درصد کاهش می‌یابد آن‌هم در شرایطی که کشورهای در حال توسعه نیز دچار یک رکود ژرف شده‌اند و عوارض آن کشورهای صنعتی را نیز تضعیف می‌کند. پیش از پاندمی روند جهانی شدن و تجارت به دلیل رکود ۲۰۰۹ کند شد اما هم‌اکنون تنها منافع ناسیونالیستی است که رشد پیدا کرده امری که سودآوری اقتصاد سرمایه‌داری را کند می‌کند و معنای واقعی آن در دهه‌آتی محدود شدن تولید و سرمایه‌گذاری و نیز کاهش درآمد واقعی و بیکاری برای اغلب کارگران و کارکنان است.

کووید ۱۹ و بحران کنونی چه چیزی به ما در باره سرمایه‌داری به‌عنوان یک سیستم می‌گوید؟

رکود طولانی از سال ۲۰۰۹ و شکاف‌هایی که پاندمی کنونی ایجاد نموده، نشان می‌دهند که سرمایه‌داری با دشواری‌های زیادی روبرو است و به سختی می‌تواند آن را پشت‌سر بگذارد. دلیل آن این است که از سودآوری سرمایه به‌عنوان گرایشی بلندمدت کاسته شده و در اغلب اقتصادهای پیش‌رفته سرمایه‌داری، این گرایش نزولی در عمیق‌ترین سطح مشاهده می‌شود. این نکته ممکن است با توجه به سودهای کلانی که ما از اپل، فیس‌بوک، گوگل، نتس‌فلیک، فیس‌بوک می‌شنویم، عجیب به‌نظر برسد، اما آنها استثنا هستند. به‌طور متوسط شمار بسیار زیادی از شرکتها تنها تلاش می‌کنند که سراپا بمانند و اکنون این رکود بسیاری از آنها را از بین می‌برد. سرمایه‌داری در وضعیتی نیست که کار بیشتر، درآمد بهتر و تغییر در شرایط زندگی را ایجاد کند با اینکه نابرابری در درآمد و دارایی‌ها از آغاز سرمایه‌داری صنعتی وجود داشته و تاکنون نیز بدتر نشده است، در مقیاس جهانی اما هنوز سه میلیارد انسان در فقر زندگی می‌کنند. شتاب فزاینده‌ی گرمایش کره زمین همچنان ادامه دارد و به سمت یک فاجعه می‌رود. در عمل نسلی که اکنون در حال رشد هست، نسبت به نسل دهه هفتاد کمترین پیشرفت در زندگی خود را تجربه خواهند کرد.